

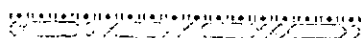
## ( تقریظ )

### تذکره جغرافیای تاریخی ایران

مستشرق بزرگ روسی (استاد و بارتولد) که امروز در تمام اروپا و آسیا بشرق شناسی و تاریخ معروف و سرآمد تمام مستشرقین بشمار و در دارالعلوم شرقی دارای سمت پروفیسوری و عضو اکادمی درس و در جامعه مستشرقین دنیا یکی از نگارندگان دائرة المعارف اسلام میباشد و تاکنون قریب سیصد کتاب و مقاله از او تالیف و منتشر شده است کتابی هم بنام (تذکره جغرافیای تاریخی ایران) بزبان روسی تالیف و منتشر ساخته و بشهادت شرق شناسان و اهل تاریخ تاکنون کتابی چنین جامع و موşkاف و روشن کننده زوایای تاریک باستان ایران تالیف نشده است .

ادیب فاضل بارع آقای [ حمزه سردادور طالب زاده ] منشی اول سفارت شوروی در طهران حق ترجمه این کتاب را چنانچه باید و شاید ادا کرده و با بهترین طبع و کاغذ و اسلوب بتزگی از طبع خارج و قدم در عالم انتشار گذاشته است این کتاب عظمت و بزرگی ایران باستانرا بادلائل تاریخی ثابت میکند . این کتاب از روی ماخذهای صحیح و تمام کتب تاریخی و جغرافیائی عربی و فارسی و کتب اروپائی که درباب ایران قدیم نوشته شده تالیف گردیده و از لغزش و اشتباهات سایر مؤلفین مصونست . ساهرچه در وصف این تالیف بنگاریم يك از هزار نخواهد بود و جای دارد که در مدارس عالیہ بطور کلاسیک تدریس شود چنانچه استاد بار تولد هم اول بطریق خطابه های درسی در دارالعلوم این کتاب را جمع اوری کرده سپس بتکمیل خطابه ها پرداخته و این تالیف جامع را بجامعه بشر هدیه داده

مازحمات و خدمات فاضل معاصر محترم آقای ( سرداد و طالبزاده )  
را در راه ترجمه و طبع چنین کتاب بزرگ تهنیت گفته و بتمام علاقه مندان  
بعظمت و شرافت تاریخی ایران توصیه میکنیم که از قرأت و مطالعه و استفاده  
این کتاب غفات نکرده و تانسخ آن تمام نشده است از کتابخانه طهران خریداری کنند  
و حید



## (انجمن ادبی کاشان)

انجمن ادبی چه میکند ؟

يك صورت زیبائی می بینید ، یکجوان رعنائی خرامان خرامان از جا و نظر شما  
میگذرد . یکبوته گل در صحن چمن بر روی ساقه زمردین خویش باناز و مناعت  
مخصوصی تکیه کرده ، نسیم صبحکامی زمزمه کنان او را نوازش میکند آفتاب پرورش  
دهنده اشعه زرین تاب خود را از فلک خویش برای تقدیم بسوی او میفرستد بلبل  
عاشق در اطرافش طواف کنان سرود عشق میخواند پرده های حریری سبزرنگ  
گل کم کم کنار رفته چهره زیبای دلارای گلی بارنگ زیم سرخ مطبوعی از خلال  
طاس بر گهای لطیفش مشغول خود نمائی میشود بلبل را بشور میاورد باغبان را غرق  
دریای مسرت و انبساط میکند

يك شاعر حماس باقلبی زنده و سری پرشور و دای پر از عاطفه وارد صحن  
باغ میشود تفرج کنان از کنار این بوته گل میگذرد یا انجوان خرامنده رامی بیند  
آن روی دلنریب در آینه چشم و دماغش صورت می پذیرد این منظره بدیع عاطفه  
مخصوصی در قلب شاعر تولید میکند توجه شاعر خواه ناخواه مجذوب این منظره است  
این مناظر با روح لطیف شاعر ملایمست ادراک هر ملایم ملازم بالذت مخصوصی است